

۲۶/۰۶/۲۰۰۹ م

نوشتۀ واسیلی متروخین، بایگان ارشد کی جی بی

برگرداننده به دری: داکتر حمید سیماب

کی جی بی در افغانستان



قسمت یازدهم

جنگ شوروی در افغانستان

در مناطق مرزی شوروی همجوار افغانستان و ایران حالت اضطرار اعلام شد. سربازان و افسران احتیاط بسیج شده و عراده جات به بیگاری گرفته شدند. واحدها و جزواتم های نظامی از نظر پرسونل اکمال گردیده به حالت آماده باش قرار داده شدند و مرخصی های نظامیان لغو گردید. شمار وسایط نقلیه نظامی و ماموریت های خاص در یکدم افزایش یافته و هرگونه تذکر از تهاجم طرح ریزی شده در مکاتبات و مخابرات ممنوع قرار داده شد.

کی جی بی مسئول حمل و نقل سربازان و تجهیزات نظامی بود. مسیر قطارهای ویژه خط آهن (که در هیچ جا توقف نمی کردند) به قطعات و بخش های معینی تقسیم شد و در طول هر بخش پوسته های نظارت و دیده بانی تأسیس گردید. فعالیت های استخباراتی و ایجنتری در همه عرصه ها تشدید یافته اداره همه تأسیسات رادیویی و مخابراتی در دست گرفته شد. نظارت بر خارجیان بخاطر مراقبت از فعالیت های جاسوسی تشدید گردید و شعبات خاص استخباراتی در قطعات و واحدهای نظامی تشکیل شد. کارکنان این شعبات را افسران مسلکی تشکیل می دادند که از شعبات فعالیت های ویژه نفرگیری شده یا از میان افسران احتیاط انتخاب شده بودند. کسانی که بزبان فارسی بلدیت داشتند برای این شعبات انتخاب می گردیدند. یک گروه ماموریت ویژه از شعبه خدماتی «ر» کی جی بی به کوشکه^۱ فرستاده شد و در مورد اینکه آیا ایالات متحده عوامل خود در کارهای غیرمجاز را فعال ساخته بود یا خیر تجسس براه انداخته شد. نگرانی از تأسیسات اقتصادی تشدید یافت و کنترل مراسلات پستی و مکالمات

^۱ Kushka موقعیت این محل را نویسنده واضح نکرده است ولی گمان اغلب آنست که کوشکه یا سرهت آباد ترکمنستان باشد که در منطقه ایکه سابقاً بنام «پنجه» یاد می شد و جزء خاک افغانستان بود قرار دارد. دانشنامه انترنتی ویکیپدیا منطقه بی را بنام کوشکه در ولایت بلخ افغانستان نیز یادآوری می کند که برای اینجانب آشنا نیست ولی احتمال اینکه این اخیر الذکر منظور میتروخین بوده باشد منتفی است - برگرداننده

تلفونی افزایش یافت. نامه هایی که ذکری از حالت آماده باش سربازان در آنها می رفت ضبط و مصادره می شدند و مراسلات و مکاتبات مشکوک توقیف و نویسندگان آنها مورد بازپرسی قرار می گرفتند.

جهت تخلیه احتمالی خارجیان و گروه هایی از ایرانیان و افغانان به اتحاد شوروی آمادگی ها و تدابیر همه جانبه به سرعت رویدست گرفته شد. طرز العمل پذیرش تخلیه شوندهگان احتمالی ترتیب و نقاط عبور مرزی آنها تثبیت گردید و گروه های بازرسی عملیاتی ایجاد گردیدند. جلوگیری از تلاش های اتباع اتحاد شوروی برای فرار به ایران مورد توجه بیشتر قرار گرفت.

مارشال سک洛夫^۲ معاون وزیر دفاع شوروی بروز ۴ جنوری با روحیه سرپا عزم جزم به کابل وارد شد. جنرال های روسی لیریز از شور و اشتیاق بی صبرانه می خواستند در برابر دشمنی زیون و ناتوان زور خود را بیازمایند. نیروی هوایی شوروی شورشیان را مورد بمباران شدید قرار داد و سپس ارتش وارد کارزار شد. بروز ۱۶ فبروری مارشال سک洛夫 معاون وزیر دفاع، جنرال اخرومییف^۳ معاون اول لوی درستیز و جنرال مگومتوف سرمشاور نظامی شوروی در افغانستان با کارمل دیدار و اوضاع را ارزیابی کردند و با اظهار اینکه «نیروی هوایی ما ۲۴۰ پرواز محاروبی و قوای هوایی افغانستان ۵۶ پرواز محاروبی انجام داده اند» کارکرد ارتش شوروی را به رخ کشیدند.

اولین ترکتازی شوروی ها بجای ایجاد رعب و ترس در دل مردم افغانستان بازتابی برعکس ایجاد کرد. از ۲۰ تا ۲۳ فبروری (۳ حوت) تظاهرات ضد شوروی در کابل راه افتاد که برای برقراری نظم از نیروی نظامی استفاده شد. شهر بحالت محاصره قرار گرفت، پل ها مسدود و موانع روی جاده ها و کمینگاه های مخفی بالای همه راه هایی که به شهر منتهی می شدند ایجاد گردید. قادر بحیث فرمانده نظامی شهر مقرر شد. بیست و چهار تولی (اضافه از ۲۰۰۰ سرباز)، ۳۰ تانک و ۲۰۰ زره پوش و نفربر زرهی زنجیر دار شوروی با ۱۱ تولی (اضافه از ۱۰۰۰ سرباز) ۴۳ تانک، ۴۰ نفربر زرهی زنجیر دار با دستگاه های راکت انداز سیار اردوی افغانستان درین محاصره سهم گرفتند. پروازهای کم ارتفاع بالای شهر و مناطق اطراف آن جهت ایجاد ترس و دهشت در دل مردم راه انداخته شد. طیارات شوروی ۱۵۸ پرواز رزمی و طیارات افغانی ۴۹ پرواز رزمی انجام دادند و اضافه از ۹۰۰ تظاهر کننده به زندان انداخته شدند. یک مرکز عادی سازی اوضاع به ریاست سروری در کابل ایجاد گردید که اعضای آن تورن جنرال قادر قوماندان شهر و ایوانوف (افسر ارشد کی جی بی در کابل) بودند که این اخیرالذکر به پیشنهاد کارمل به عضویت این هسته شامل ساخته شد. آنها صلاحیت داشتند تا کارهای وزارت های دفاع، داخله و ارگان های امنیت دولتی را هماهنگ سازند.

بخش بیشتر روستاها در دست شورشیان بود. شهر کندهار در تابستان سال ۱۹۸۰ سر به شورش زد. آ. کیوت^۴ منشی کمیته شهری که خلقی بود مبارزه علیه اشرافیت پرچی را راه انداخت. بروز ۳۰ اگست شهر کاملاً توسط سربازان شوروی محاصره شد و دهات و مناطق اطراف شهر با استفاده وسیع از هواپیماها و توپخانه رفته و سرو زیر ساخته شدند. سپس حمله آغاز گردید.

وضع در شهر هرات نیز به همین منوال بود. گروهی از خلقیان شامل سگین^۵ منشی کمیته حزبی ولایتی هرات، عبدالظاهر چوپان مسئول شعبه تشکیلات حزبی، پیکارجو عضو کمیته ولایتی ح.د.خ.ا. و رئیس شعبه ولایت^۶، معاون منشی کمیته شهری شهر هرات، معاون سیاسی فرقه ۱۷ پیاده، دو تن از منشیان کمیته های ولسوالی، نه عضو کمیته های حزبی شهری و ولسوالی و دو عضو برجسته خاندودی در هرات با هم متشکل شدند تا علیه حکومت کارمل بجنگند. این اولین دردسر از ناحیه فرقه ۱۷ پیاده نبود. در مارچ ۱۹۷۹ در آن زمان که دیگر من کنیچف^۷ مشاور نظامی فرقه بود نیز تلاشی برای شورش در برابر مقامات دولتی صورت گرفته بود. یک گروه عملیاتی وزارت دفاع اتحاد شوروی و نمایندگی کی جی بی برنامه فعالیت های نظامی، عملیاتی و سیاسی در

^۲ Sergei L. Sokolov معاون وزیر دفاع اتحاد شوروی (۱۹۶۷-۱۹۸۷) (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

^۳ Sergei F. Akhromeev معاون اول لوی درستیز اتحاد شوروی (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

^۴ نویسنده این نام را به شکل A. Kaiut نوشته که مسلماً غلط است. آیا منظور «عبدالقیوم» بوده؟ اینجانب نمی دانم منشی کمیته شهری شهر کندهار در آن زمان کی بود. از خوانندگان گرامی که اطلاع دارند صمیمانه تقاضا می کنم کمک کنند - برگرداننده

^۵ در اصل به شکل Sagin آمده که شاید منظور «سنگین» باشد - برگرداننده

^۶ کذا فی الاصل - برگرداننده

^۷ S.L. Katichev

برابر شورشیان و در جهت استقرار حکمرانی رژیم کابل در مرکز و اطراف ولایت هرات را طرحریزی کردند. شهر در محاصره سربازان شوروی قرار داشت. در ماه سپتمبر زنجیره بی از عملیات نظامی در شهر هرات و اطراف آن و سایر مناطق آن ولایت انجام یافت. نزدیکی هرات با ایران و احتمال اینکه از ایران بمثابه پایگاه جهت گسترش جنبش چریکی به مناطق غرب افغانستان استفاده شود مد نظر گرفته شد. رخنه پذیرترین بخش های مرز میان ایران و افغانستان محکم بسته شده و راه های آنها مابین گذاری شدند. اعضای محلی خدمات ویژه محرم راز این برنامه ریزی نگریدند چون بیم آن می رفت که از طریق آنان اطلاع از برنامه به دشمن درز خواهد کرد. هفته عضو خاد، ۴۴ تن از فعالین حزبی و ۱۵۲ سرباز محاربوی خاندوی جهت اشتراک در پیاده سازی برنامه از کابل فرستاده شدند و سی و پنج جانفشان پرشور از میان افراد محلی انتخاب گردیدند. نبرد برسر شهر یک هفته ادامه داشت. محاصره شدگان با قهرمانی و دلیری زیاد مقاومت شدید نشان داده و با اسلحه ناتوان خود چهاربار کوشیدند چنبره تنگ شونده محاصره را بشکنند ولی سرانجام شهر هرات بروز ۱۱ سپتمبر سقوط کرد. از شورشیان ۵۵۱ تن بشمول سه تن از رهبران قیام کشته و ۱۰۳۶ تن اسیر گردیدند. نیرو های دولتی پیروزمند ۱۳ وسیله نقلیه، ۱۹ موتورسایکل، ۷۳ قبضه تفنگ و ۴۰ کیلوگرام مواد منفجره به غنیمت گرفتند.

پس از سقوط شهر چار نقطه بازرسی و کنترولی در شهر ایجاد گردید. همه آنانیکه از شهر برون و یا به آن درون می شدند واریسی شده و هرکسی که شک برانگیز پنداشته می شد دستگیر می گردید که درین راستا اضافه از ۲۵۰۰ نفر بشمول چهار تن ایرانی بازداشت شدند. یک اردوگاه بیختاری در سندیوم شهر که اضافه از ۲۲۲۵ تن در آن نگهداری می شدند ایجاد گردید که از جمله این تعداد ۶۵۱ تن به زندان انداخته شدند. چهل و سه گزمه ارتشی سرک ها و کوچه ها را می گشتند.

از جمله ۲۲ واحد اداری ولایت هرات^۸ ۵ واحد آن پس از نبردهایی که یک ماه طول کشیدند از وجود شورشیان پاکسازی شد. در ماه اکتوبر ۹ واحد اداری دیگر نیز پاک ساخته شد. در عملیات های نظامی مذکور دو غند موتوریزه پیاده، دو کندک چترباز و یک تولی ویژه کشف سهم گرفتند. درکل اضافه از ۴۵۰۰ سپاهی با سازوبرگ و جنگ افزارهای سترگ درین نبردها رزم آوری کردند.

واحدهای «شرشره»^۹ کی جی بی متشکل از ۱۴۵ نفر و دسته های دروغینی^{۱۰} که بخاطر کشف، افشا و نابود سازی دسته ها و گروه های راستین مقاومت ایجاد شده بودند نقش مهمی درین عملیات داشتند. واحدهای رزمی با همدستان افغانی شان ساختمان ها و خانه ها را تلاشی و زیر و رو می کردند. آنها مناطقی را که سربازان بدست آورده بودند در چنبر خود گرفته و همه باشندگان آنرا بازرسی می نمودند. در زدوخوردهای ناشی از چنین محاصره ها و بازرسی ها ۱۲۱ نفر کشته و ۳۵۷ تن دیگر دستگیر گردیدند و ۱۳ کمیته اسلامی محلی و در سطح قریه جات ازبین برده شده کتاب ها و نوشته های بدآیند، اسلحه و مهمات آنها ضبط و مصادره گردیدند. تجارب موفقیت بار واحد «شرشره» پسانتر در سائر ولایات افغانستان بکار بسته شد.

مارشال سک洛夫 معاون وزیر دفاع، کریوچکوف رئیس ریاست عمومی اول (عملیات خارجی) کی جی بی و سپولنیکوف^{۱۱} بروز اول اکتوبر ذریعه هواپیما وارد هرات شدند. آنها فعالیت های فرماندهی سپاهیان شوروی و

^۸ مطمئن نیستم منظور نویسنده از بیست و دو واحد اداری چیست چون تا جایی که اینجانب آگاهی دارم ولایت هرات صرف شانزده ولسوالی دارد - برگرداننده

^۹ در هیچ جای این نوشته (که تکرار می کنم جز سیاه نویس ویرایش نشده چیزی نیست) نویسنده در مورد واحدهای «شرشره» (Cascade) توضیحی نداده است. پژوهش در منابع انترنتی نشان می دهد که واحد های «شرشره» و «برین گاه» (Zenith) (که پیشتر ازین نقش آنرا در برون ساختن جاسوسان خلقی ضد آمینی کی جی بی در نخستین روزهای حکومت صد روزه حفیظ الله امین دیدیم) دو واحد از واحدهای خاص کی جی بی بودند که این یک (واحد «شرشره») وظیفه داشت تا در میان حلقهات دشمن (افغان ها) نفوذ کرده ماموریت های استخباراتی، تفرقه افگنی، تروریستی و خرابکاری را به انجام رساند - برگرداننده

^{۱۰} یک دسته (باند) عبارت از گروه متشکل از دو یا بیشتر از دو نفری است که به هدف حمله بر ساختمان ها، تأسیسات اقتصادی و افراد حکومتی یا عامه تشکیل می گردند. آنچه کی جی بی «دسته های دروغین» می خواند همچون دسته های راستین و واقعی عمل کرده به داخل یک جنبش آزادی بخش نفوذ می کنند و با استفاده از رذالت و پستی و راه ها و وسایل خبیثانه وطنپرستان را نابود می سازند یا آنها را به دام نیروهای مسلح کی جی بی و ارتش می اندازند و بدین گونه گروه های مقاومت را ازبین برده مجاری ارتباطی را تسخیر و با آسیب رساندن به همکاری بین دسته های راستین مقاومت و مردم در کوتاه ترین زمان و با اندکترین خسارات و تلفات احساس نا امنی و بی اعتمادی بوجود می آورند. (یادداشت نویسنده)

^{۱۱} V.N. Spolnikov نویسنده در هیچ جای نوشته توضیح نکرده است که این شخص کی بود و چه مقامی در دستگاه اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی داشت - برگرداننده

واحدهای کی جی بی را مورد تأیید قرار دادند و در دیداری که با افسران ارشد داشتند به فرماندهان شوروی اجازه و صلاحیت دادند تا عملیات های محاروبی را در داخل شعاع ۵۰ کیلومتری نقاطی که سپاهیان شوروی جابجا شده بودند بدون موافقه و استیذان قبلی مقامات افغانی انجام دهند. وظیفه عمده شان نابود سازی رهبران واحدها و دسته های شورشیان بود.

در طول سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ ارتش ۱۳۲۰۰۰ نفری و نیروی هوایی و ضد هوایی ۱۵۰۰۰ نفری افغانی در برابر شورشیان رزم آوری می کردند. ارتش همه سازوبرگ و اکمالات اساسی خود را از اتحاد شوروی بدست می آورد. نیروی هوایی عمیقاً در رزم و نبرد دخیل بود اما ارتش با رقم بلند گریز و فراری که در آن وجود داشت زیاد مورد اعتماد نبود.

مرحله دوم جنگ علیه مردم افغانستان را سپاهیان شوروی آغاز کردند. درین مرحله از آخرین سازوبرگ و تکنولوژی جنگی بشمول زهرهای کیمیاوی بشکل بم های گازی که در مدت کم اثرات محیطی آن از بین می رفت کار گرفته شد. نبردها بر اساس اطلاعات جاسوسی راه اندازی می گردیدند که درمورد مخالفین از پاکستان و ایران یعنی جاهایی که جنگاوران افغانی متشکل می شدند و پیش از برگشتن به افغانستان دم راست می کردند بدست می آمد. اوستینوف (وزیر دفاع) به برژنف گزارش داد که سربازان شوروی و واحدهای کی جی بی نقش عمده را در جنگ علیه ضد انقلاب افغانی بعهده داشتند.

رهبران کی جی بی بر این نکته پافشاری داشتند که مرز های جمهوری دموکراتیک افغانستان با پاکستان، ایران و چین بصورت کامل بسته گردد لکن افغان ها نه سرباز و نه اراده داشتند تا سهم خود در چنین اقدامی را بسر رسانند، بنابراین شوروی ها مسئولیت تأمین نظم در سرحدات را بعهده گرفتند. سربازان مرزی کنترل کامل سرحد افغان شوروی را که ۵۰۰۰ سرباز مصروف گزیه آن بودند در دست داشتند. آنها در طول راه عمده تدارکاتی که از ترمذ، کوشکه و سائر نقاط به کابل می رسید کمین می گرفتند. در می ۱۹۸۰ سپاهیان مرزی اتحاد شوروی پامیر افغانی را اشغال کرده سرحد ۴۰۰ کیلومتری افغانستان با چین و پاکستان را از جای تلاقی مرز سه کشور تا گذرگاه «دو رو» مسدود ساختند و گذرگاه ها و کوره راه هایی را که جهت مراسلات و آوردن اموال از چین به افغانستان مورد استفاده قرار می گرفت بستند. جهت حفاظت از سرحد سه خط دفاعی مرزی کشیده شد. شمار چشمگیر واحدهای کی جی بی در جنوری ۱۹۸۱ به دستور اندروپوف در عقب کمربند دوم سرحدی در مرز های پاکستان و ایران جابجا ساخته شدند. برای اینکار پنج لوی سرحدی و واحدهای جدید محاروبی ایجاد گردید. کوره راه ها و گذرگاه ها ویران شده و ماین گذاری گردیدند. کارمل بروز ۲۴ جنوری ۱۹۸۱ به سفیر شوروی و گریکوف^{۱۲} به درستی اظهار داشت که «اکنون که اتحاد شوروی به چنین اقدامات اساسی در جهت نجات انقلاب افغانستان برداشته است سرنوشت کشورهای مان برآستی باهم درآمیخته اند.»

به پیشنهاد جانب شوروی در تابستان سال ۱۹۸۰ قلمرو افغانستان به هشت حوزه یا «زون» تقسیم شد و برای هر زون یک نماینده کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و شورای انقلابی تعیین گردید. وظیفه تعیین شده برای این نمایندگان عبارت بود از هماهنگ سازی کار ارگان های قدرت محلی، کمیته های ولایتی ح.د.خ.ا.، واحد های نیروهای مسلح، خاد و خاندوی و نظارت بر تطبیق تصامیم نظامی، اجتماعی اقتصادی و تبلیغاتی ارگان های بالایی حزب و دولت در ولایات. نمایندگان تعیین شده عبارت بودند از بارق شفیی در زون شمال غرب، فدامحمد دهنشین^{۱۳} در زون شمال، نظر محمد^{۱۴} در زون جنوب شرق، نظام الدین تهذیب در زون شمال شرق و اسلم وطنجار در زون مرکزی^{۱۵}.

^{۱۲} Grekov نویسنده در هیچ جای نوشته توضیح نکرده است که این شخص کی بود و چه مقامی در دستگاه اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی داشت - برگرداننده

^{۱۳} این نام به گمان اغلب است چون در نسخه اصلی م. دخنش (M. Dekhnesh) آمده است. فدامحمد دهنشین پس از اشغال افغانستان و تشکیل دولت دست نشانده عضو کمیته مرکزی و عضو شورای انقلابی بود - برگرداننده

^{۱۴} در اصل «ن. محمد» آمده است که باید همان «نظر محمد» باشد چون هم در سیاهه کمیته مرکزی و هم در سیاهه شورای انقلابی نام «نظر محمد» بچشم می خورد، اما دانسته شده نمی تواند که این «انجنیر نظر محمد» بود یا «بگرم نظر محمد» چون هر دو هم عضو کمیته مرکزی و هم عضو شورای انقلابی بودند - برگرداننده

^{۱۵} در مورد سه زون دیگر نویسنده چیزی نگفته است. از کسانی که درین مورد اطلاع یا به اسناد تاریخی دسترسی داشته باشند درخواست کمک می شود - برگرداننده

ولایت کابل در چنبره کمربندهای امنیتی قرار داشت و در مسیر راه هایی که فکر می شد جنگجویان خواهند کوشید خود را به کابل برسانند دام ها و کمینگاه ها ایجاد شد. کدک های ویژه کماندو تشکیل گردید و قرار شد واحد های نظامی شوروی در صورت بروز بلوا و شورش در جاهایی چون کلوپ عسکری، مرکز مخابرات قوای شوروی، سفارت شوروی و قاغوش های تپه تاج بیگ مخفی گردند.

نماینده کی جی بی و فرماندهی نیروهای شوروی آگاهی داشتند که مردم افغانستان از حکومت پشتیبانی ننموده و به پاکستان و ایران می گریختند. آنها به این باور بودند که مقامات کابل به تنهایی توانایی فایق آمدن بر دشمن و مقابله با گستره و پیمانۀ عملکرد دشمن را نداشتند بنابراین اشتراک کامل اتحاد شوروی در چنین امری لازمی بود.

ماسکو به ارتش شوروی وظیفه سپرد تا جنبش مقاومت را در طی سال ۱۹۸۱ بطور کامل سرکوب و شورشیان را نابود ساخته سلطۀ رژیم کابل را به سراسر کشور گسترش دهد. برای این منظور اختیارات نمایندگان شوروی در زون ها گسترش داده شد و آنها صلاحیت یافتند تا تصامیم عملیاتی در ارتباط جنگ با شورشیان را خود اتخاذ کنند. مشاورین نظامی ریاست های ارکان زون ها اجازه داشتند تا واحدهای نظامی تا سطح کدک را وارد عملیات محاروبی سازند. [برینجا کلماتی چند کشیده شده اند.] در مواضع ضعیف و کم نیرو سربازان شوروی جای سربازان افغانی را می گرفتند. جهت انسجام عملیات یک گروه عملیاتی متشکل از سک洛夫، اخرومیف، الکسیف، روماننتسوف و سپولنیوکوف^{۱۶} از جانب وزارت دفاع اتحاد شوروی تشکیل گردید. مسئولیت هماهنگ سازی عملیات ارتش و سپاهیان سرحدی به عهده متروسوف (فرمانده سپاهیان سرحدی) [احتمالاً ۳/۴ یک سطر کشیده شده است]، سک洛夫 و اخرومیف گذاشته شد. آنها یکجا با چوچوکین و مکروف^{۱۷} وظیفه هماهنگ سازی امور با کی جی بی را نیز بعهده داشتند. به این سه تن دستور داده شد تا در همکاری با پرسونل حوزه نظامی ترکستان (تحت فرماندهی دیگر جنرال مکسیموف^{۱۸})، لشکر چهارم، مشاورین نظامی و اعضای نمایندگی کی جی بی به تشکلات نظامی یادشده و نیز به وزارت دفاع جمهوری دموکراتیک افغانستان و کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. کمک عملی نمایند تا عملیات مشترک جزواتم های افغانی و شوروی را منسجم سازند. ملاقات های گسترده میان فرماندهان واحدهای «شرشره» و مشاورین ارشد حزبی و نظامی توظیف شده از جانب کی جی بی و وزارت امور داخله شوروی برای کار در زون های اداری مذکور بصورت منظم در سفارت اتحاد شوروی دایر می گردید. سلطان علی کتمند، نور احمد نور، صالح محمد زیری، محمد رفیع، سید محمد گلاب زوی و نجیب الله که از جانب کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و شورای انقلابی انتخاب شده بودند از جانب افغانی درین گردهم آیی ها که برنامه کار آن توسط شوروی ها تعیین می گردید شرکت می کردند. موضوعات مورد بحث مشتمل بود بر همکاری میان جوانب افغانی و شوروی در عملیات های نظامی، کار سیاسی میان مردم، محافظت اهداف و تأسیسات اقتصادی و طرز العمل های حقوقی. سک洛夫 جلسات مشترکی با رهبران و فرماندهان نیروهای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان و اعضای دفتر سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و هیئت رئیسه شورای انقلابی دایر می کرد. در نتیجه این همه فعالیت ها در سوق و اداره سربازان و انتقال سلاح و تجهیزات جنگی بهبودی رونما شد، ایمنی مخابرات و مراسلات بهتر گردید، همکاری میان نظامیان و نمایندگی کی جی بی گسترش یافت و استفاده بهتر از اطلاعات استخباراتی امکان پذیر گردید.

از جنوری ۱۹۸۱ به بعد در شدت و پیمانۀ فعالیت نظامی شوروی افزایش بی سابقه رخ داد و دشمن با تمام نیرو مورد یورش زمینی و هوایی قرار گرفت. عملیات نظامی در ماه های جنوری و فبروری آن سال بالغ بر ۷۹۲ روز کدک^{۱۹} می شد که ۳۹ کدک از قول اردوی جنوبی در آن سهم گرفتند. نیروی هوایی ۱۲۰۰۰ پرواز بم اندازی یا پوشش هوایی به نیروهای زمینی انجام داد. مهمات جنگی رسانده شده به لشکر چهارم به ۸۱۵۰۰ تن بالغ می گردید. در ماه اپریل نیروی هوایی ۳۰۳۶ پرواز رزمی و ۳۰۸۴ پرواز انتقالی انجام داد و جزواتم های احتیاط سربازان مرزی، چتربازان و هواپیماهای سپاهیان مرزی در شمال افغانستان وارد جنگ ساخته شدند. در

Y.K. Alexeev, A.V. Romantsov, V.N. Spolnikov^{۱۶}

V.A. Chuchukin, N.I. Makarov^{۱۷}

Y.P. Maximov^{۱۸}

^{۱۹} «روز کدک» معیاری برای پیمایش شدت و حدت جنگ است و عبارتست از جنگی که یک کدک محاروبی در یک روز انجام می دهد - برگرداننده

ماه مارچ تابيف، كوزلوف، ميوروف و سپولنيكوف از دولت شوروي تقاضاي سه غند و سه واحد اضافي مرزي نمودند تا بتوانند «تا آخر سال دشمن را از قلمرو جمهوري دموكراتيک افغانستان برون رانده وضعيت داخل کشور را استقرار بخشند».

سربازان ارتش چهل شوروي به انتهاي طاقت و توان عملياتي جنگي خود رسیده بودند. از جمله ۷۳ کندک ۵۶ آن بدون هيچگونه دم راستي و فضاي تنفس براي سربازان يا تغيير افراد بصورت مستدام در حالت محاربه قرار داشتند. افسران سياسي جزوتام ها شکايت مي کردند که نمی توانستند درس های حزبي و کمسمولي^{۲۰} و تعليمات سياسي خود را پيش برند. گزارش های عملياتي به ماسکو از قهرمانی های ارتش شوروي و دليري و شهامت سربازان، پيلوت ها، پيلوت های هليکوپترها و چتربازان قصه ها داشت. اينان در برابر دشمن بی رحم بودند. يکی از گزارش های هفته وار به اندروپوف و اوستينوف اظهار داشت که «در فاصله ميان ۲۵ فبروري و ۵ مارچ ۱۳۹۰ شورشي کشته شدند. شماری از شورشيان به کوه ها گريختند و چون لباس گرم نداشتند در آنجا از شدت سرما جان دادند.» رسانه های خارجي نيز با خوشرويي جعليات کی جی بی را مبنی بر آنکه قطعات محدود نظامي اتحاد شوروي در افغانستان همان وظايفی را بسر می رساندند که سربازان ملل متحد در لبنان انجام می دادند منتشر می ساختند.

شوروشيان با سرسپردگی مقاومت می کردند و ضربات متقابل به سربازان شوروي و حکومت افغانستان وارد می آوردند. آنها در سال ۱۹۸۱، ۵۲۳۶ عمليات مسلحانه يا بطور اوسط ۴۳۶ عمليات در يك ماه انجام دادند. در همان سال آنها ۷۶۰ حمله نايبوسان انجام داده ۵۶۷ وسيله نقلیه را تخریب و ۵۰۰ مرکز اداري را آسیب رساندند. در همين سال خارندوی ۴۵۵۲ نفر تلفات داد. بخش بيشتري مساحت کشور زیر اداره شورشيان قرار داشت. شورشيان در ولايت کندز از ۳۸۴ قریه ۳۴۶ آنرا زیر كنترول داشتند و تنها ۳۸ قریه (۱۰٪) زیر تصرف دولت کابل بود. از جمله ۱۵۱۷ قریه در ولايت هرات حکومت افغانستان بمشکل می توانست ادعای كنترول بر ۲۴۹ قریه (۱۵٪) را داشته باشد. در ولايات بلخ، جوزجان، سمنگان و فارياب از جمله ۱۷۹۲ قریه کمتر از ۴۳٪ آن زیر اداره حکومت قرار داشت و رژیم کابل حتی درين قریه جات نيز نمی توانست احساس راحت و آرامش کند.

مردم عادی آسیب و رنج فراوان می دیدند و اعمال وحشیانه شوروي ها در آنها نفرت بر می انگيخت. آنها می گفتند: «شما بر بيم افگن ها و تانک های روسی که سالمندان، زنان و کودکان را مورد حمله قرار می دهند چه نام می گذاريد؟ مشکل است بتوان برای آنها نامی يافت. اگر آنها را حيوان بناميم به حيوانات توهين کرده خواهيم بود چون حيوانات مصدر کارهای مفیدی برای انسان ها هستند. روس ها برای مردم هیچ کاری انجام نداده اند و مردم از نام شان نفرت دارند. انسانها اعضای يکديگرند. "چو عضوی بدرد آورد روزگار، دگر عضو ها را نماند قرار". کسی کز محنت همسايه بيغمست نتوان گفت که نامش آدم است»^{۲۱}.

در ارتباط به وحشيگري روس ها حتی کارمل نيز شهامت بخرچ داده هنگام صحبت با نمايندگان شوروي از وحشت و دهشت در عملکرد شوروي ها ياد آور می شد و از تلفات وسيع اهالی ملکی و ضربات بر مردهای افغان بدست سربازان روسی ياد می کرد و ابراز بيم می نمود که در نتیجه بدرفتاری قوای شوروي نيروی انسانی برای کار در افغانستان باقی نخواهد ماند. دستگير پنجشيري عضو دفتر سياسي و رئيس کمیته كنترول کمیته مرکزی ح.د.خ. از يکيه ارتش شوروي با بی رحمی و وحشت غير قابل باور جنگ علیه مردم افغانستان را راه انداخته بود و گویی براساس اصل «هر چه بدتر بهتر» به آن می پرداخت خیلی آزاده خاطر بود. سربازان و افسران شوروي از چپاول و غارت اموال و اختلاس مواد سوخت وسايط ارتش روگردانی نمی کردند و پروای قوانين ترافيکی را نداشتند. کارمل از شاه محمد دوست وزير امور خارجه که بروز ۱۲ مارچ ۱۹۸۰ غرض امضای معاهده روی وضعيت حقوقی سربازان شوروي مستقر در افغانستان به ماسکو می رفت خواست تا موضوع رفتار و سلوک سربازان شوروي را با مقامات آن کشور در میان گذارد.

با اين همه، نقشه های شوروي ها مبنی بر در هم کوفتن مخالفين در طی سال ۱۹۸۱ برآورده نشده ماند بنايران موعده تعيين شده برای نابودسازی مخالفين تا سال آینده به تعويق انداخته شد. سکولوف حين گزارش به اوستينوف در

^{۲۰} منظور سازمان «کمونستان جوان» است که دولت دست نشانده «سازمان دموكراتيک جوانان» خود را از آن نمونه گيري کرد - برگرداننده

^{۲۱} مفهوم سروده معروف سعدی را نویسنده تقريباً به عين عبارت فوق بدون ذکر نام سعدی آورده است - برگرداننده

بارهٔ فعالیت های ارتش چهل و جزواتم های کی جی بی و وزارت داخله در طول خزان و زمستان ۸۲- ۱۹۸۱ ناگزیر شد اعتراف نماید که تلاش برای نابودسازی اغتشاشیون به موفقیتی نایل نگردیده است. «دشمن به کوه هایی که ۴۰۰۰ تا ۴۵۰۰ متر ارتفاع دارند پناه برده است. تصمیم بر آن است تا در ختم زمستان آنگاهی که سرمای کوه ها و برف و افری که در ماه فیبروری باریده است امکان ستر و اخفا را از دشمن بگیرد آنرا از بین بریم. در مناطق تگاب، نجراب و جویبار دشمن در مجاری سیل رو گیر مانده مقاومت شدید نشان می دهد. راه های خروجی دشمن به جانب جنوب، غرب و شرق همه مسدود گردیده اند. بطرف شمال کوه های پر نشیبی قرار دارد که در فصل زمستان عبور ناپذیر هستند.»

در گزارشی که دگر جنرال مکسیموف فرمانده حوزه نظامی ترکستان در جنوری ۱۹۸۲ به اوستینوف وزیر دفاع و اندروپوف رئیس عمومی کی جی بی در مورد فعالیت های سربازان شوروی فرستاد چنین نوشت: «نیروهای ضد انقلابی توانسته اند مناطق نفوذ خود را نگهدارند و بخش قابل توجه مردمان محلی را به مبارزه مسلحانه در برابر رژیم موجود بکشانند...» گروه های کوچک رهنان آموزش دیده و دسته هایی از سازماندهندگان از ایران و پاکستان به داخل قلمرو جمهوری دموکراتیک افغانستان فرستاده می شدند و با جلب و جذب ساکنین محل شمار خود را افزایش می دادند. وزارت دفاع اتحاد شوروی، دفتر سرمشاور نظامی و شعبهٔ عملیاتی ارتش چهل شمار کسانی را که در چنین گروه ها و دسته ها در جمهوری دموکراتیک افغانستان جذب شده بودند در حدود ۳۰۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰ تن برآورد می کرد ولی برآوردهای کی جی بی این رقم را ۵۰۰۰۰ تا ۵۵۰۰۰ نشان می داد. شمار باغیانی که به این دسته ها پیوستند به ۵۰۰۰۰۰ جنگنده می رسید.

بصورت مجموع از جملهٔ ۱۸۶ ولسوالی ۵۹ ولسوالی و از جملهٔ ۱۰۰ علاقدهاری ۵۴ علاقدهاری^{۲۲}، یعنی ۳۵٪ قلمرو کل کشور با ۷ میلیون انسان یعنی ۴۶٪ همه باشندگان کشور در تصرف شورشیان قرار داشت. بگونهٔ مثال، حدس زده می شد که در زون اداری شمال شرق ۴۰ مرکز فعال مقاومت با حدوداً ۴۰۰۰ شورشی وجود داشت که ۸۲٪ همه قشلاق های منطقه را در تصرف داشتند. در طی ۱۹۸۲ به شمار ۷۶۸۹ حملهٔ مسلحانه بر اهداف شوروی و حکومتی یعنی حد اوسط ۸۵۴ حمله در یک ماه صورت گرفت که تقریباً دوچند شمار حملات سال گذشته بود. شورشیان ۸۱۱ حمله بر قطار های اکمالاتی و وسایط نقلیهٔ انفرادی انجام داده ۸۰۰ وسیلهٔ نقلیه را از بین بردند. آنها ۴۶۲۰ عملیات خرابکارانه بالای اهداف مهم اقتصادی بشمول ۱۰۰ حمله بر مراکز و خطوط انتقال برق و ۶۰ حمله بر لوله های انتقال نفت انجام دادند، ۱۵۰ مرتبه بر مراکز اداری شلیک کردند و ۱۳۰۰ حمله بر واحدهای نظامی بعمل آوردند.

شوروی ها دریافتند که شورشیان منسجم تر و آزموده تر شده استفاده از ماین های زمینی، ماین های ضد پرسونل، هاوان، نارنجک انداز و ماشیندار ثقیل را آغاز کرده بودند. دسته های اختصاصی حمله کننده بر میدان های هوایی و تانک های زرهی بوجود آمده بود و دسته هایی از انجنیران خندق و سنگر و مواضع دفاعی می کردند. گروه های مختلف چریکی عملیات های خود را هماهنگ می ساختند و تاکتیک های شان نیز تغییر کرده بود. آنها از نبرد رویاروی طفره می رفتند و بیشتر مانور می کردند. رهبران شورشیان بر این نظر بودند که باید از تلفات افراد خود جلوگیری کنند و برای حمله پس از اخراج سربازان شوروی از افغانستان آمادگی بگیرند.

در طول نیمهٔ اول سال ۱۹۸۲ سربازان شوروی در ۲۳ نبرد سنگین اشتراک کردند که در طی آنها ۳۵۸۰۰ شورشی کشته و ۵۰۴۸ تن شان اسیر گردیدند. سربازان مرزی در صفحات شمال از جنوری تا اکتوبر آن سال در ۱۸۲ عملیات محاروبی شرکت کرده ۶۰۰۰ شورشی را کشته و ۴۵۰۰ تن آنها را اسیر کردند و شورشیان را از ۱۳ ولسوالی و علاقدهاری راندند.

دریافت های دستگاه نظامی شوروی و کی جی بی بر آن بود که قابلیت و روحیهٔ رزمی اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان در سطح نازلی قرار داشت. افسران آشکارا از اوامر سر پیچی و با دشمن همکاری می کردند و یا صف بدل کرده در پهلوئی آنها قرار می گرفتند. تا تاریخ ۳۰ اپریل ۱۹۸۰ اضافه از ۱۷۰۰۰ سرباز از اردوی افغانستان فرار کرده بود. در سالها بعدی نیز شمار چشمگیری از سربازان اردوی افغانستان ترک خدمت نمودند. در سال ۱۹۸۱ سی هزار تن و در سال ۱۹۸۲ هرمهه بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ تن از خدمت عسکری و

^{۲۲} ارقام داده شده محل تأمل است چون شمار مجموعی ولسوالی ها و علاقدهاری های افغانستان بیشتر از آن بود که نویسنده گفته است - برگرداننده

صفوف اردو می گریختند. شمار گریزی ها شش برابر شمار کشته شدگان (که آنهم رقم درشتی را تشکیل می داد) بود. بدین گونه تنها نیروی خاندوی در طی ۸ ماه ۸۰۰۰ نفر از دست داد که از آنجمله ۱۲۰۰ تن کشته، ۲۳۳۶ تن زخمی، ۸۵۰ تن اسیر و ۲۵۰۰ تن فرار خدمت بودند. صفوف اردو با خدمت اجباری مکلفیت عسکری پر می شد. بتاريخ ۷ فیوروری ۱۹۸۲ سکلف معاون وزیر دفاع، اخرومیف معاون لوی درستیز و اوسادچی نماینده مقیم کی جی بی در افغانستان به کارمل پیشنهاد کردند تا سن مکلفیت عسکری را به ۱۸ سالگی پایین بیاورد و موعد مکلفیت را به سه سال بالابرده معاش یکنفر سرباز را به ۳۰۰۰ افغانی افزایش دهد.

رویداد ذیل شیوه های مروج سلوک و برخورد در اردوی افغانستان را تصویر می کند: بروز ۱۱ فیوروری ۱۹۸۱ محمد رفیع وزیر دفاع یکجا با چیریموخ^{۲۳} معاون سرمشاور نظامی شوروی از فرقه ۱۱ دیدن کردند. حین بازدید از کانتین غند ۷ توچی رفیع متوجه شد که دو نفر سرباز موظف چین سفید پوشیده بودند. رفیع آنها را فراخوانده و دربرابر همگان با دستکشی که در دست داشت سلی کاری کرد و امر نمود آنها را برای شش روز حبس کنند. روز بعد رفیع بستر یکی از سربازان را با دست تپ زد و از کمپل سرباز خاک بلند شد. رو به قوماندان غند که محمد نادر نام داشت کرده با لبخند گفت که اگر در غند نظم برقرار نکند با دست خود کمپل را در دهنش تخته کرده تا شکمش فرو خواهد برد. سپس رفیع قوماندان را لت و کوب کرده امر کرد او را بسته کنند و به تشناب بیندازند و به ضابط امر خود امر کرد تا ساعت چهار صبح بالایش پهره ایستاد شود. بعداً قوماندان مذکور را به کابل فرستاد.

شوروی ها در سال ۱۹۸۲ نیز نتوانستند شورشیان را تار و مار کنند. دستگاه نظامی شوروی و کی جی بی ملامتی ناکامی خود را به گردن امپریالیزم جهانی و دولت های مرتجع اسلامی می انداختند و می گفتند که آنها به دشمن کمک کرده مراکز مقاومت را تشویق و حمایه می نمایند. شعار ضد انقلاب برون راندن روس های اشغالگر از کشور و سرنگونی رژیم دست نشانده شان در کابل بود. آنها رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان را دست نشاندها و وابستگی می دانستند که زمام حزب و دولت خود را به مشاورین شوروی داده بودند. کارمل به نزدیکیان خود می گفت که تا زمانی که «دوران مشاورین شوروی» به پایان نرسیده برایش زود است وارد صحنه عمل شود و دلیل آنرا ناتوانی ح.د.خ.ا. و فعالین آن و عدم علاقمندی و سهمگیری توده های مردم در امر انقلاب می دانست.

کرسی نشینان شوروی ناگزیر تاکتیک جنگی خود را تغییر دادند و مفکوره فتح سراسر کشور به یک بار را از سر بدر کرده طرح نوی روی دست گرفتند. بر اساس این تاکتیک جدید آنها در پی آن شدند تا حضور و سلطه خود را در مناطقی که می شد بگونه مؤثر اداره کرد مستحکم ساخته به تدریج در آنجاها تغییرات اجتماعی و اقتصادی وارد آورند. محاسبه آنها چنان بود که با این کار متدرجاً اداره همه کشور را بدست خواهند گرفت. هدف تعیین شده آن بود تا نخست در صفحات شمال که همجوار اتحاد شوروی بود پیروزی قاطع بدست آورده شود. کمیته های منطقوی دفاع از انقلاب در قریه جات، کوچه ها و محلات ایجاد گردیده نظارت و دیده بانی بر وضع و روحیه مردم محل تشدید یافت و هر گونه آمد و شد و گشت و گذار اشخاص نو وارد زیر نظر گرفته شد.

پس رفت ها و شکست ها در جنگ افغانان را دلسرد ساخت. در آگست ۱۹۸۱ کارمل حین گفتگو با سکلف وضعیت کشور را با کمونیزم دوران جنگ در اتحاد شوروی مقایسه کرده گفت: «با آنکه درست نخواهد بود آشکار حالت کمونیزم جنگی را اعلام نمایم همه اقدامات دولت باید براساس اصول و معاینه دوران کمونیزم جنگی صورت گیرد. در مرحله کنونی اتوریته و تجربه سپه سالار مارشال سکلف حائز بیشترین اهمیت است ولی اگر پیشرفت واقعی در عادی سازی وضع و نابود سازی ضد انقلاب بدست نیاید از اندروپوف خواست تا به افغانستان آمده مسئولیت و رهبری مستقیم کارزار برای بهبود وضع را خود به عهده گیرد». کمی پسانتر کارمل اظهار داشت که مارشال سکلف، مشاورین نظامی شوروی و وزرات دفاع جمهوری دموکراتیک افغانستان نه تنها از سرکوب ضد انقلاب ناتوان بودند بلکه به بن بست نیز رسیده بودند.

کی جی بی آگاه بود که افغانان بطور فزاینده در قبال رهبران نظامی و وضعیت کشور دیدی نکوهشگرانه پیدا می نمودند. گلاب زوی باری اظهار داشت: «وقتی کارمل در ماسکو بود در مورد کار ناکام جنرال مایوروف^{۲۴}

V.P. Cheremnykh^{۲۳}
Mayorov^{۲۴}

تعداد صفحات: ۸ از ۱۰

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de یادداشت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد از غور کامل بما ارسال بدارید.

سخن گفت و خواست تا مارشال سک洛夫 دوباره به افغانستان فرستاده شود. ماسکو سخنش را شنید و مارشال را که قبل بر آن مورد اعتماد کامل کارمل نبود واپس فرستاد.» وقتی محمود بریالی دریافت که سک洛夫 در ماه می به کابل برگشته است بانگ برآورد: «نمی خواهم در جایی باشم که مارشال باشد. من کشور را ترک خواهم گفت.» نجیب الله درین مورد اظهار داشت که مارشال برگشته بود تا اشتباهات سال ۱۹۸۰ خود را اصلاح کند. نور احمد نور، محمد رفیع و گل آقا آوازه هایی پخش می کردند که گویا شوروی ها از افسران خلقی رشوه می گرفتند. به باور آنها نمایندگان شوروی فاقد اصول و مسئول جنایات تره کی و امین بودند.

اکثر مردم دلیل دیرپایی سربازان شوروی در کشور شانرا نمی دانستند. با آنکه بارها به کارمل و کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. گفته شده بود چه برنامه و روشی در پیش گیرند آنها در راه انداختن کارزار تبلیغاتی جهت توضیح مرام و هدف اقامت سربازان شوروی در افغانستان سستی و کندی بخرچ می دادند. گل آقا احساسات خود را در یکی از جلسات حزبی چنین بیان داشت: «ما پرچی ها را چرا به خیانت به منافع کشور متهم می کنند؟ آیا ما بودیم که عساکر شوروی را به افغانستان خواستیم؟ نه! این وطنجار، گلاب زوی و مزدوریار بود که این کار را کردند! آنها بودند که در هنگام کودتای امین در سپتمبر ۱۹۷۹ به سفارت شوروی رفتند. این همه کار خلقی هاست!»

ادامه دارد

سخنی با خواننده

پروژه اكمال و ویرایش سند «کی جی بی در افغانستان»

خوانندگان ارجمندی که بخش های پیشین این سلسله را از نظر گذرانده اند شاید متوجه شده باشند که برخی عدم دقت ها در محتوی و شیوه بیان این رساله وجود دارد که تا آنجا که ایجاب می کرد و در توان اینجانب بود در پاورقی ها به آنها اشاره شده است. این رساله در اصل بشکل دستنویس بزبان روسی نوشته شده است. شرایط پر از اضطراب و دلهره یی که در تحت آن اسناد محرم بایگانی کی جی بی پنهانی استنساخ و برون کشیده می شدند از بی دقتی ها در املائی نام ها و عدم مراعات نقطه گذاری که در زبان های اروپایی با دقت و وسواس مراعات می شود، آشکار است. پس ازینکه متروخین با اسناد برون آورده شده از کی جی بی به غرب آمد حجم گفتنی ها و افشا کردنی های مختلف بیشتر از آن بود که بتواند وقت و دقت لازم را برای ویرایش نوشته ها و پژوهش فاکت های یک رساله دستنویس بخرچ دهد.

تا جایی که معلوم است این رساله هنوز بزبان اصلی روسی نشر نشده و همانگونه که درپیشگفتار بخش اول این ترجمه دری آمده، برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ توسط «پروژه تاریخ بین المللی جنگ سرد» مربوط «مرکز بین المللی وودرو ویلسن برای دانشمندان» بزبان انگلیسی به نشر رسید. نسخه انگلیسی این رساله گویا معروض ویرایش قرار گرفته است اما کسانی که نسخه نشر شده انگلیسی را مطالعه کرده اند یا خواهند کرد گواهی خواهند داد که ویرایش انجام یافته ناقص و پر از کاستی هاست و کمتر تلاش صورت گرفته تا نوشته مطابق با معیارهای پذیرفته شده ویرایش مسلکی در غرب ارائه گردد. (املائی نادرست و ناهمگون نام ها، عدم مراعات دقیق نقطه گذاری بخصوص هنگام نقل قول، از هم گسیخته بودن جملات و پراگراف ها و سلیس نبودن بیان). شاید هم این «عدم دقت» در واقع بخاطر بازتاب دهی دقیق اصل روسی بوده باشد. اینجانب و اکثر خوانندگان این رساله مربوط نسلی هستیم که شاهد عینی وقایع شرح شده درین نوشته بوده ایم و با نامها و شهرت اشخاص ذکر شده و حوادثی که آفریدند تا حد زیادی آشنایی داریم و مستقیماً متأثر از درامه های تاریخی ننگینی هستیم که شرح جریانات پشت پرده آنها درین رساله و در نوشته های بی شمار دیگر آمده است. ولی ما نسلی هستیم که بسوی شامگاه زندگی خودها روانیم و به یقین که خوانندگان جوانتر و آیندگان آن بوی آشنای خاطرات ناگوار این حوادث را که ما استنشام می کنیم نخواهند شنید، بنابراین لازم است توضیحات پاورقی و معرفی اشخاص و حوادث ذکر شده درین رساله هرچه همه جانبه تر و افشاگرتر باشد، که درین امر خود را محتاج مددکاری و همکاری خوانندگان ارجمند می دانم. درین راستا از خوانندگان با درد این سلسله تقاضا میکنم که در صورتی که در مورد اشخاصی معلومات داشته باشند که درین رساله نام گرفته شده اند ولی معرفی دقیق نگردیده اند با تذکار آن به آدرس پیک برقی kgbdariproject@yahoo.ca در اكمال و بیشتر مؤثقی ساختن این سند که پس از پایان نشر انترنتی بشکل نسخه چاپی انتشار خواهد یافت سهم حقیقت پویانه بگیرند. معلومات ارسالی آنها بنام خودشان در پاورقی ذکر خواهد شد.

تعداد صفحات: ۹ از ۱۰

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de یادداشت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد از غور کامل بما ارسال بدارید.

درین ارتباط بصورت مشخص معلومات ذیل تقاضا می گردد:

- جاسوس نام گرفته شده در دوران وحشت و خیانت ۷ ثوری چه مقام و منصبی داشت؟
- شخص مذکور اکنون در کجا زندگی می کند؟ اگر فوت نموده چه وقت و در کجا چشم از جهان پوشیده است؟
- «یک تصویر گاهی کار هزار کلمه را می دهد». اگر عکسی از اشخاص ذکر شده درین رساله (چه ایجنت های کی جی بی و چه قربانیان جنایات شان) سراغ داشته باشید با فرستادن یا دادن نشانی آن بر همه خوانندگان منت بگذارید.
- معلومات بیشتر پیرامون کارنامه شخص مورد نظر

سپاس من و همه خوانندگان به آنانی که درین راستا سهم می گیرند از پیش تقدیم باد. (برگرداننده)

تعداد صفحات: ۱۰ از ۱۰

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de
یادداشت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد از غور کامل بما ارسال بدارید.